

درس چهارم: آغاز تاریخی فلسفه

** درس در یک نگاه **

مفاهیم	توضیحات
آغاز دانش فلسفه	نمی توان برای دانش فلسفه، از نظر زمانی و مکانی آغازی تعیین کرد. هرچا تمدنی شکل گرفته کسانی بوده اند که درباره اساسی ترین مسئله های زندگی بشری اندیشیده اند، گرچه آثار مکتوبی به مانرسیده باشد و اطلاعی از آنها نداشته باشیم.
علت عدم تعیین تاریخ دقیق آغاز فلسفه	چون برخی از تمدنها آن قدر قدیمی اند که در اثر گذر زمان و آمد و شد حوادث، آثار تمدنی آنها از بین رفته است.
اهمیت تمدن های قدیمی تر	تمدنهای قدیم تر و ساده تر، مقدمه و پلکان شکل گیری تمدن های جدیدتر بوده اند و دستاوردهای آنها به تمدنهای جدیدتر منتقل شده است.
وضعیت حکمت و فلسفه در ایران باستان	ایران باستان یکی از سرزمینهای فلسفه خیز بوده و فیلسوفانی خداپرست در آنجا می زیسته اند. سهروردی که از فیلسوفان بزرگ دوره اسلامی است، معتقد است که در دوره کیانیان انسانهای وارسته ای بوده اند که هم به حکمت و فلسفه می اندیشیدند و هم دارای سلوک معنوی بوده اند. این حکیمان اندکی پیش از فیلسوفان دوره یونان باستان و برخی نیز هم زمان و پس از آنان می زیسته اند.
وضعیت فلسفه در چین، هند، بین النهرین و مصر	در این تمدنهای باستانی که پیش از تمدن یونان شکل گرفته اند، کم و بیش حکمت و فلسفه رواج داشته و آثاری که حکایت از تفکر در مسائل بنیادین هستی داشته باشند، به جای مانده است، مانند اوپانیشادها که شامل متون متعدد هندو است و گاتاها که سروده های زرتشت می باشد.
مهد تفکر فلسفی	نخستین مجموعه ها یا قطعه هایی که به زبان فلسفی نگاشته شده یا جنبه فلسفی در آنها غلبه داشته، از یونان باستان به یادگار مانده است. به همین جهت از سرزمین یونان به عنوان مهد تفکر فلسفی یاد می کنند. در آنجا بود که دانش فلسفه شکل گرفت و تفسیر جهان با روش عقلانی رایج شد.
زادگاه فلسفه یونانی	زادگاه فلسفه یونانی بخشی بود از سرزمین یونان باستان واقع در غرب آسیای صغیر (کشور ترکیه کنونی) که ایونیا نامیده می شد. در اینجا بود که در حدود شش قرن پیش از میلاد مباحث فلسفی پایه گذاری شد و اولین فیلسوفان یونان پا به عرصه وجود گذاشتند.
برخی اندیشمندان یونانی قبل از سقراط	۱- تالس ۲- فیثاغورس ۳- هراکلیتوس ۴- پارمنیدس
نخستین اندیشمند یونانی (تالس)	مورخان تالس را نخستین اندیشمند یونانی می دانند که اندیشه فلسفی مشخصی داشته است. او عقیده داشت آب اولین عنصر و پایه و اساس سایر چیزهاست و همه چیز، در نهایت، از آب ساخته شده است
فیثاغوریان	ارسطو در مورد آنها می گوید «نخستین کسانی بوده اند که خود را وقف ریاضیات کرده و باعث پیشرفت آن شده اند. در نظر آنان، اصول ریاضی درباره تمام موجودات صادق است و اعداد و اصول اعداد، همان عناصر اولی همه موجودات هستند».
هراکلیتوس	دلایل شهرت وی: به دلیل دو اندیشه اوست؛ ۱- وحدت اضداد ۲- تغییر و تحول دائمی جهان وحدت اضداد: او عقیده داشت که اموری که با هم ضد هستند، می توانند با یکدیگر جمع شوند؛ وجود این اضداد است که جهان را می سازد و گریزی از ستیز و تضاد نیست.
پارمنیدس	تغییر دائمی جهان: او می گفت «همه چیز در سیلان و حرکت است» هیچ چیز ثابتی در این جهان وجود ندارد. دگرگونی، قانون زندگی و قانون کائنات است، بر همه چیز فرمان می راند و نمی توان از آن گریخت. باید قبول کنیم که «نمی توان در یک رودخانه دو بار شنا کرد».
عامل پیدایش سوفیستها	وی برای نخستین بار به مفهوم «بودن» و «شدن» (وجود و حرکت) که از مفاهیم اصلی فلسفه هستند، توجه دقیق کرد. او معتقد بود که هستی، یک امر واحد ثابت است و حرکت و شدن ندارد. در جهان واقع، نیستی راه ندارد و نمی توان گفت «نیستی، هست» زیرا این جمله تناقض آمیز است. ما با یک واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر روبه رو هستیم. البته از طریق حواس نمی توان به این واقعیت رسید. تنها با تفکر عقلی است که این حقیقت را می توان دریافت. حواس فقط همین مرتبه ظاهری جهان را نشان می دهد که نشان دهنده امور مختلف و متغیر است. اما با عقل می توان به آن لایه باطنی و حقیقی هستی رسید که بدون تغییر و جاودانه است.
دیدگاه سوفیستها در مورد جهان شناسان	آرا و نظریات گوناگون و غالبا متضادی که اندیشمندان یونان باستان عرضه داشتند، سبب شد تا نوعی تشویش و نگرانی بر مردم آن روزگار غالب شود و بذریع اعتمادی نسبت به دانش در ذهن ایشان پراکنده گردد. این آشفتگی فکری به ظهور دانشمندانی منجر گردید که منادی بی اعتباری علم شدند. این گروه خود «سوفیست» یعنی دانشمند می خواندند.
هدف سوفیستها	به این دلیل که سخن اندیشمندان و جهان شناسان با یکدیگر متضاد است و آنها نتوانسته اند تفسیر درستی از جهان به دست آورند، نظریات آنان را بیهوده دانستند و به جای آموزش علوم به فن سخنوری روی آوردند.
هدف سوفیستها	سوفیستها به جای رسیدن به حقیقت، پیروزی بر رقیب را هدف قرار دادند و به آنجا رسیدند که اصل حقیقت و واقعیت را انکار کردند.